

درآمدی بر روش و بینش تاریخی ابوعلی مسکویه در تجارب الامم

ذکرالله محمدی*

محسن پرویش**

چکیده

ابوعلی مسکویه از مورخان معروف عصر آل بویه بوده که ضمن اثرپذیری از پیشینیان خود نگاه متفاوتی نیز به تاریخ نگاری داشته است. چرا که وی با تألیف آثار خویش نگرش خاصی را در تاریخ نگاری اعمال کرده است. شیوه ای که او در تاریخ نگاری خود اتخاذ می کند در روند تکوین افق های تاریخ نگاری ایرانی تاثیر بسزائی بر جای گذاشته است. وجود انگیزه های خاص و همچنین گزارش های ارزشمند در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه اهمیت ویژه ای به تاریخ نگاری او بخشیده است. در پژوهش حاضر فرض بر آن بوده است که مسکویه ضمن تاثیرگذاری از مورخان پیشین، به نقد و سنجش روایت دست زده است، به گونه ای که رگه هایی از جوانه های عقل گرایی در تاریخ نگاری او مشهود می باشد هدف از مقاله پیش روی، آن است که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، تاریخ نگاری و تاریخ نگری مسکویه را تبیین و نشان دهد آیا بینش تاریخی مسکویه و فضای حاکم بر قرن چهارم و پنجم هجری، توانسته است بر تاریخ نگاری او تاثیر گذار باشد یا خیر؟ یافته های پژوهش نشان می دهند بینش و نگرش مسکویه به تاریخ، متأثر از تجربیات شخصی و روشی تجربه گرایانه در پژوهش های تاریخی است. روش او نیز آمیزه ای از شیوه های انتقادی و روایی با تکیه بر استنادات و تبیین و تحلیل رویدادهاست.

کلیدواژه ها: ابوعلی مسکویه، تاریخ نگاری ایران، بینش و روش، آل بویه

* دانشیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)، ze.mohamadi@alzahra.ac.i

** دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین المللی امام خمینی، mohsen.parvish@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۵

۱. مقدمه

قرن چهارم و پنجم هجری قمری اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی است، به گونه ای که این دوره «عصر زرین فرهنگ ایران» و «رنسانس اسلامی» گفته می شود. بعد از گذشت چند قرن از اسلام آوردن ایرانیان در دولت سامانیان و آل بویه فرصتی برای ایرانیان مسلمان فراهم شد تا بتوانند مؤلفه های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود را ثبت کنند. در این فضای فرهنگی مجالی برای دانشمندان ایرانی پدید آمد که در این بستر گام مؤثری در پیشبرد علم و فرهنگ بردارند. حکومت آل بویه از ابتدای حکومت و همزمان با تثبیت قدرت خویش به فعالیت های علمی و فرهنگی نیز روی آوردند؛ زیرا افزون بر این که یکی از پایه های اساسی استمرار قدرت و اقتدار، علم و تقویت فرهنگ عمومی با رویکردی عالمانه است، برای جلوگیری از انفعال در برابر رقیبان سیاسی و علمی باید استقلال علمی و متکی به فرهنگ غنی بومی خویش را تقویت می کردند. آل بویه بیشترین تلاش خویش را در پی ریزی یک شاکله مستحکم علمی با تمام جوانب از نظر ساختاری، محتوایی و نخبه پروری مبذول داشتند. تاریخ نگاری هم در قلمرو آل بویه توجه خاصی به آن شد. بیشتر تاریخ نگاران آل بویه از درباریان بودند. از آنجا که در دربار آل بویه زبان عربی رواج داشت، غالب کتابهای این سلسله به عربی تألیف می شد. یکی از این تاریخ نگاران ابوعلی مسکویه رازی، مورخ برجسته این سده بود. هنگامی که صحبت از تاریخ نگاری ابوعلی مسکویه به میان می آید همه ذهنها متوجه کتاب تجارب الامم می شود در حالی که بینش و نگرش تاریخ نگاری مسکویه بدون مطالعه همه آثار او امکان پذیر نمی باشد. هدف اصلی در این مقاله، شناسایی بینش و روش تاریخ نگاری مسکویه و معرفی آن به عنوان الگویی مبتنی بر روشی تجربه گرایانه و خرد محور در پژوهش های تاریخی است. او با بکارگیری روش خود مبنی بر عقل و خرد نقش مهمی را در تحول تاریخ نگاری مسلمانان ایفا نمود. محور اصلی این مقاله بر یافته هایی استوار است که از پاسخ به پرسش های زیر به دست آمده است: ۱. بینش تاریخی حاکم بر آراء و اندیشه های مسکویه چه تاثیری بر روش تاریخ نگاری وی داشته است؟ ۲. شاخص های تاریخ علمی در تاریخ نگاری مسکویه چیست؟

۱. فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که بینش تاریخی مسکویه بر روش تاریخ نگاری وی تاثیر داشته و سبب شده است تا وی روشی مبتنی بر سنجش و ارزیابی

را برگزیند. به طوری که می توان او را پیشگام تاریخ نگاری بر اساس گرایش های عقل گرایانه، خردمحور و واقع گرایی دانست.

۲. به نظر می رسد مسکویه با اتخاذ روش سنجش و ارزیابی و بر پایه اصل صداقت و بی طرفی نسبی، تاریخنگاری را از واقعه نگاری به آن چه که امروز تاریخنگاری علمی خوانده می شود، ارتقا داده است. شاید به همین خاطر است که یکی از مهمترین فواید مطالعه علم تاریخ را بهره مندی اهل قدرت از آن می داند.

در باب پیشینه پژوهش باید ذکر شود تاکنون کتابهای زیادی در شرح احوال و آثار و کارهای علمی مسکویه نوشته شده است. محمد آرکون نویسنده الجزایری در کتاب «نزعة الانسنة في فكر العربي؛ جيل مسکویه و التوحیدی» اطلاعاتی درباره وضعیت فکری قرن چهارم هجری ارائه می کند. دکتر نادیا جمال الدین مقاله ای به زبان انگلیسی تحت عنوان «نظریه اخلاقی آموزش و پرورش» دارد. وی از مسکویه به عنوان یک فیلسوف فکری و درخشان یاد می کند. طریف خالدی در کتاب اندیشه تاریخ نگاری عرب در دوران کلاسیک اشاره ای کوتاه به تاریخ نگاری مسکویه دارد. ابوالقاسم امامی در «ترجمه کتاب تجارب الامم» اطلاعات ارزشمندی از زندگی و آثار مسکویه در اختیار اهل تحقیق قرار می دهد. محسن مهاجر نیا کتابی تحت عنوان «اندیشه سیاسی مسکویه» به چاپ رسانده است. در این کتاب، دیدگاه های سیاسی مسکویه به تفصیل بیان شده است. مهاجر نیا اوضاع سیاسی - فرهنگی قرن چهارم و پنجم، مباحث سعادت شناسی از نظر مسکویه و ساختار اندیشه و بنیادهای فلسفی وی را بررسی می نماید. آقای مقصود علی صادقی در مقاله ای تحت عنوان «روش تاریخ نگاری و اندیشه سیاسی مسکویه» به صورت مختصر و در حد یک صفحه به اندیشه تاریخ نگاری مسکویه اشاره دارند. عنایت الله فاتحی نژاد در مقاله «نکاتی درباره ابوعلی مسکویه و کتاب تجارب الامم» در باب نام کتاب و منابع مورد استفاده مسکویه اطلاعاتی را ارائه می کند. از مقالات دیگری که می توان به آن اشاره کرد مقاله بررسی مولفه های فرهنگی تاثیرگذار بر تاریخ نگاری ابو علی مسکویه رازی (۴۲۱-۳۲۵ ق). نوشته عیسی عبیدی و دیگران می باشد. «بررسی تاریخ نگاری مسکویه در تجارب الامم با تأکید بر منابع» عنوان مقاله ای است که توسط حسن مجربی و ابوالفضل رضوی نوشته شده است. همان طور که از عنوان آن بر می آید نویسندگان بر آن بوده اند تا به شناسایی منابع اطلاعات تاریخ نگاری مسکویه در تجارب الامم بپردازند. مصطفی پیر مرادیان و حمید صادقی در مقاله «افق های فهم تاریخی

از غزنه تا ری: نگرشی بر همسانی و افتراق در روش‌ها و بینش‌های تاریخ‌نگارانه‌ی ابوریحان بیرونی و مسکویه رازی» به مقایسه اشتراکات و تمایزات روشی و نگرشی مسکویه و ابوریحان پرداخته‌اند. اما برغم اطلاعات پراکنده و جسته و گریخته و گاهی یکی دو صفحه‌ای نویسندگان مذکور، تحقیق مستقلی که بینش و روش تاریخ‌نگاری مسکویه را به طور کامل مورد کنکاش قرار داده باشد وجود ندارد. مقاله حاضر دقیقاً در جهت رفع خلاء و نقص مزبور به چنین کاری دست زده است.

۲. وضعیت اجتماعی و فرهنگی عصر آل‌بویه و تأثیر آن بر تاریخ‌نویسی مسکویه

وضعیت اجتماعی و فرهنگی نیمه‌ی دوم قرن چهارم و قرن پنجم هجری قمری از لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی خصوصیات و ویژگی‌هایی داشت که این ویژگی‌ها را می‌توان در تاریخ‌نگاری این دوره نیز مشاهده نمود. این دوره، از یک طرف دوره کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی و از طرف دیگر دوره رشد و پیشرفت عقلی و شکوفایی فرهنگی بود. تحت تأثیر این وضعیت دانشمندان، مورخان و فیلسوفان خردگرایی چون ابوعلی مسکویه ظهور کردند. (قدیمی قیداری، ۱۳۹۱: ۳)

عده‌ای برآنند عصر آل‌بویه، که مسکویه تاریخ‌نگاری خود را در آن رقم زد، شکوفاترین عصر تمدن اسلامی و اوج خردگرایی اندیشه اسلامی است که حتی دیانت هم می‌بایست با توجه به ضابطه استقلال و اصالت خرد انسانی ارزیابی می‌شد. سید جواد طباطبایی بر این باور است که مسکویه، هم چون فارابی، به دوره‌هایی در تاریخ و تمدن ایران در دوره اسلامی تعلق دارد که هنوز بر اثر سیطره قشریت مذهبی و سیطره اندیشه عرفانی و باطنی‌گری بر مجموعه اندیشه ایرانی، دریافت خردمندان از انسان و حیات مدنی دست خوش زوال نشده بود. (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۵۶) همچنین آدام متز از آن عصر به عنوان دوره انسان‌گرایی و رنسانس اسلامی نام می‌برد. (متز، ۱۳۶۴: ۹)

البته ناگفته نماند که در این عصر علوم دینی و دانش‌های مربوط به فقه و حدیث رشد قابل توجهی دارند. به گونه‌ای که بسیاری از مورخان تحت تأثیر شیوه اهل حدیث آثار خود را نگاشتند. با این وجود شالوده یک روش علمی و نگاه عقلانی به تاریخ‌پی ریزی شد و در برخی از آثار مورخان بزرگ ایرانی در سده‌های چهارم و اوایل سده پنجم هجری شاهد بروز نشانه‌هایی از گفتمان عقل‌گرا در تاریخ‌نگاری هستیم. روش‌های جدید با وجود

اینکه همه گیر و گسترده نگردید، اما چشم اندازهای جدیدی برای تاریخ نویسی ایجاد کرد. بنابراین، جریان های سیاسی و فرهنگی حاکم بر دوره مسکویه، در تاریخ نگاری او نیز تاثیر گذاشت.

۳. بینش و نگرش در تاریخ نگاری مسکویه

جهان بینی و نگرش مسکویه به پدیده های تاریخی را می توان در آثار او جستجو کرد. از مهم ترین مولفه های بینش تاریخی مسکویه می توان به بینش معرفت شناسانه، بینش اجتماعی، بینش انتقادی و... اشاره نمود.

۴. بینش معرفت شناسانه

از جمله مهم ترین مولفه های بینش تاریخی مسکویه بینش معرفت شناسانه اوست. این مولفه خود دارای شاخص هایی از جمله فلسفه و چیستی تاریخ، هدف تاریخ و... می باشد که این نوشتار تلاش دارد آن را از خلال آثار او بدست آورد.

۱.۴ فلسفه و چیستی تاریخ

محققان در غالب موارد میان تعریف تاریخ و علم تاریخ تفاوت قائل نمی شوند و این موجب خلط مبحث و خطاهایی در استنتاج می شود. البته بخشی از این مساله به این امر بر می گردد که ارائه تعریفی از علم تاریخ به عنوان یکی از دغدغه های مورخان در حاشیه بیان فواید و اهمیت تاریخ صورت گرفته است و تعریف نسبتا دقیق و جامعی از علم تاریخ بیان نکرده اند (ملائی توانی، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۵)

از دیدگاه مسکویه، تاریخ یعنی گزارش صعود و سقوط و شناخت ضعف و سستی دولت ها و «رویدادهایی از این دست، که آدمی به یاد می سپرد، گویی همگی آزموده خود اوست، گویی خود بدانها دچار آمده و در برخورد با آنها فرزانه و استوار شده است، گویی خود در هنگامه آنها زیسته و خود با آنها روبرو بوده است» (مسکویه، ۱۳۸۹: ۵۲/۱)

مسکویه در کتاب تجارب الامم نگرش خود به تاریخ و چیستی آن را این گونه توضیح می دهد: «من چون سرگذشت مردمان و کارنامه شاهان را ورق زدم و سرگذشت کشورها و نامه های تاریخ را خواندم، در آن چیزها یافتم که می توان از آنها، در آن چه

مانندش همیشه پیش می‌آید و همتایش پیوسته روی می‌دهد، پند گرفت. ..» (همان، ۵۲-۵۱) روزنتال معتقد است که مسکویه می‌خواسته آموزه‌ها و آزمون‌های ملت‌ها را برای پندآموزی و عبرت‌گیری در اختیار خوانندگان خود قرار دهد و از این رو بر آن بوده تا رویدادهایی را که چنین کاربردهایی را ندارند و در دیگر تاریخ‌ها آمده‌اند از کتاب خود حذف نماید. (روزنتال، ۱۳۴۶: ۱۹۵)

مسکویه معتقد است که گزارشهای درست تاریخ، با قصه‌های بی‌اساس و افسانه‌ها خلط شده است. مسکویه از آن روی آنها را ذکر نمی‌کند که معتقد است آن افسانه‌ها هیچ سودی جز خواب آوردن یا سرگرمی ندارد. این نکته از این سخن او در کتاب تجارب الامم آشکار می‌شود:

... من با یاد خدا و سپاس او، به گزارشهایی می‌آغازم که از روزگار پس از طوفان به ما رسیده است. چه به گزارشهای پیش از آن دل اندک توانیم بست. از روزگار پیش از طوفان، آن چه آورده‌اند نیز، تهی از آن چیزهایی است که یاد کردن آن را آهنگ کرده‌ایم، و در آغاز این نامه به گردن گرفته‌ایم. از همین روی، از معجزه‌های پیمبران، که دروذهای خداوند بر ایشان باد، و کارهایی که به اعجاز کرده‌اند یاد نکرده‌ایم. چه، مردم روزگار ما، در پیش آمده‌ها پندی از آن نتوانند گرفت..... (مسکویه، ۱۳۸۹: ۵۳/۱)

بنابراین یکی از ویژگی‌های علم تاریخ از دیدگاه مسکویه تمییز دادن افسانه‌ها با واقعیت‌ها اعم از افسانه و خرافات است. او حتی خواب ابن عمید مبنی بر پیدا کردن انگشتر به مثابه پیروزی را این گونه می‌آورد: «این از گزارشهای خوشمزه است و اگر بزرگواری و راستی گوینده اش (ابن عمید) نبود هیچ گاه آن را در کتابم نمی‌نوشتم» (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۸۴/۶)

با نگاهی به تاریخ‌نگاری مسکویه روشن می‌شود که تاریخ در نظر او مشتمل بر رویدادهایی است که انسان می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی خویش از آن پند بگیرد.

گویی همگی آزموده خود اوست، گویی خود بدانها دچار آمده و در برخورد با آنها فرزانه و استوار شده است، گویی خود در هنگامه آنها زیسته و خود با آنها روبرو بوده است و سپس، دشواریهای خویش را چون مردی کاردان پذیره شود، و پیش از روی دادن بازشناسد و همواره در برابر چشمان و در دیدگاه خویش بدارد و با آنها هم با همسان و همانندشان روبرو گردد. فرق بسیار است میان چنین کس و آن خام و

ناآزموده که پیش آمد را جز پس از روی دادن بازشناسد، و رویدادها در چشم وی بیگانه آیند، چنان که در برابر دشواریها سرگشته شود و از هر رویداد تازه‌ای بی‌خود گردد. (مسکویه، ۱۳۸۹: ۵۲/۱)

۲.۴ هدف و فایده تاریخ

یکی از پرسش‌های اساسی در باب تاریخ این است که هدف و فایده تاریخ چیست؟ هدف و غرض مورخ از پرداختن به تاریخ چیست؟ هریک از مورخان در بخش‌هایی از کتاب خود چه به صورت مختصر و چه به طور مفصل در این باب توضیحاتی ارائه کرده‌اند. مسکویه نیز از این قاعده مستثنی نیست. «تکامل و تنظیم صریح نظرات و فرضیات درباره تاریخ چه بوسیله مورخان حرفه‌ای و چه محققان در رشته‌های مربوطه علم حدیث در وهله نخست معلول حملاتی بود که فیلسوفان و متکلمان در قرن سوم و چهارم هجری به ادبیات تاریخی و فرضیات آن می‌کردند، یعنی در دورانی که فواید و خصیصه علمی تاریخ مورد تردید بود.» این جملات مورخان را بر آن داشت که در نظم دادن به فرضیات خود و دفاع از آنها صراحت بیشتری نشان دهند. عده روز افزونی از آنها شروع به نوشتن مقدمه‌هایی کوتاه بر آثار خود کردند و در آن فواید دینی و عملی و علمی تاریخ را برشمردند و شیوه‌ای را که در گردآوری و ترتیب اطلاعات مندرج در آثار خود به کار می‌بردند تعریف و از آن دفاع کردند. (مهدی، ۱۳۷۳: ۱۷۲)

ابن فندق (ابن فندق، ۱۳۶۱: ۱۷۱)، کافجی، ۱۴۱۰ق: ۳۳۳) و سخاوی (سخاوی، بیتا: ۶۱) و برخی از مورخین مسلمان دیگر از جمله کسانی بودند که در آثار خود بحث فایده تاریخ را به جهت اهمیت آن بصورت مستقل ارائه نموده و به تفضیل به آن پرداخته‌اند.

مسکویه نیز در باب فواید تاریخ بحث‌هایی ارائه می‌کند اما از آنجا که مسکویه نگاه فلسفی به تاریخ دارد باعث شده است که توجه و تفکر در بهره‌های علمی تاریخ در تاریخ‌نگاری او از اهمیت بسزائی برخوردار باشد. او درصدد است تا الگویی برای انسانها از تاریخ گذشته چه حال و چه آینده ترسیم کند تا به وسیله آن بتوانند از حوادث گذشته عبرت گرفته و سر مشقی برای آنان باشد. مسکویه در تاریخ‌نگاری خود به مفهوم تاریخ عملی هم اندیشیده است و تاریخ را در خدمت عبرت‌آموزی برای اهل قدرت قرار داده است. بنابراین عبرت‌آموزی و پندآموزی مهم‌ترین مشخصه تاریخ‌نگاری

مسکویه است. به عنوان مثال در ذکر حوادث سال ۳۶۱ ق می نویسد: «من در این جا خلاصه ای گفتم تا خوانندگان پند گیرند. اینها آزموده های مردم است که چون پی در پی می آید باید از آن پرهیز شود...» (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۶۴/۶)

زرین کوب معتقد است در بین مورخان اسلامی هیچ کس به اندازه مسکویه به جنبه سودمندی تاریخ توجه نداشته است. (زرین کوب، ۱۳۵۴: ۷۳) البته اینکه از تجارب گذشته می توان در رویدادهای آینده سود برد در این زمان اندیشه ای رایج بوده است. آنچه مسکویه را متمایز می سازد ارزیابی گذشته و تجارب آن از منظر او می باشد. در حقیقت می توان ادعا کرد که مسکویه با فراهم آوردن نمونه های ارزشمند از تجارب تاریخی خدمت فراوانی عرضه داشته است؛ تجاربی که میزان تلاش و کوشش انسان گذشته را به انسان حال و آینده هویدا می سازد. از آنجا که مسکویه تاریخ نگاری خود را مبتنی بر فایده مندی و عمل گرایی معطوف به اهل قدرت و سیاست استوار می سازد عده ای را بر آن داشته تا او را در جست و جوی ایده آل های بشری بدانند و آن را ناشی از تاثیر حکمت نوافلاطونی در وی قلمداد کنند.^۲

مسکویه در باب هدف تاریخ هم دیدگاه قابل توجهی دارد، به طوری که هدف تاریخ از منظر او حرکت به سمت تکامل و سعادت بشری است. «خداوند را برای جهان برنامه ای هست که به سوی آن روان است». (مسکویه، ۱۳۸۹: ۲۸/۱) از نظر مسکویه سعادت انسان در لذات حسی و جسمانی - که مشترک میان انسان و سایر حیوانات است نمی باشد، بلکه شرافت و برتری انسان از سایر موجودات از نیروی عقل و قوه نظری و عملی آن سرچشمه می گیرد.

مسکویه فلسفه حیات و تاریخ بشری را سعادت انسان می داند. او معتقد است انسان همان قدر که باید از تاریخ و آموخته های آن درس بگیرد به همان اندازه نیز باید به فضیلت ها و اخلاق های انسانی توجه کند. از نظر مسکویه از بین رفتن فضایل انسانی باعث از بین رفتن و زوال جامعه می شود. او معتقد است در صورتی که جامعه فضایل اخلاقی خود را از دست بدهد جامعه به سمت بحران و نابسامانی پیش می رود. (مسکویه، ۱۴۲۲ق: ۲۰۵) به طوری که می گوید: «ما هیچ شهریار و مردمی را ندیده ایم که جز با فروهستن این خوی های تنگ نابود شده باشند یا کارشان جز بدان راست آمده باشد». (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۸۶/۶-۱۸۵)

یکی دیگر از اهداف و فایده تاریخ از نظر مسکویه کسب تجربه و عبرت آموزی برای اصلاح امور جامعه می باشد. به گونه ای که می توان با تاریخ، سیاست هایی درست اتخاذ کرد. از این روست که مسکویه معتقد است

کسانی که از جهان بهره ای بیشتر برده اند، از آن، سودی بیشتر و بهره ای بزرگتر برند، مانند وزیران، سرداران سپاه، شهرداران، کارگزاران و یژگان و توده، سپس رده های دیگر، و آنان را که بهره ای اندک باشد، نه کمتر، در تدبیر کارهای خانه، و آمیزش با دوستان، و برخورد با بیگانگان از آن سود برند... (همان، ۵۳)

در دیدگاه ابوعلی مسکویه، وظیفه مورخ نقد اوضاع و حوادث تاریخی روزگارش است. اگر هدف از تاریخ تجربه آموزی باشد، باید آن را نقد کرد، خوب ها و بدها را شناخت و از هم تمیز داد. زد و بندهای سیاسی و اقتصادی و رشوه خواری های کلان از جمله مواردی است که مسکویه به نقد می کشید.

مسکویه همچنین سرنوشت و ظهور و سقوط تمدن ها و حکومت ها را جزو فواید علم تاریخ می داند. به همین دلیل به بحث ظهور و سقوط حکومت ها و قوه محرکه آن توجه دارد. به اعتقاد او زوال حکومت زوال تمدن و جامعه را در پی دارد زیرا با نابودی حکومت جامعه به هرج و مرج کشیده می شود.

۵. بینش نخبه گرایانه

یکی از بنیان های فکری مسکویه، نخبه گرایی می باشد. همین امر موجب شده است تا در برخی موارد تحولات تاریخی را نتیجه اقدامات نخبه سیاسی جامعه بدانند. از نظر مسکویه پادشاه که نقش رهبری مردم جامعه را بر عهده دارد می تواند نقطه عطفی در تغییر و دگرگونی جامعه باشد. نگرش مسکویه به نخبگان گاه ستایش آمیز می باشد. لذا درصدد است تا نظام سیاسی موجود را بدون نقص و ایراد نشان دهد. او در مورد عضد الدوله می گوید:

خداوند، ما کارگزاران سرورمان، شهریار بزرگ و شکوهمند و سرچشمه نیکی ها را... نواخته است، که ما را هم به دوران او پدید کرده، و به روزگار او پیوریده، و در سایه او جای داده، و در پناه او فرود آورده و از کارگزاران ویژه او کرده است. چه، از

نواخته‌های او چندان برخورداریم که جز آفرین سیاسی و جز ستایش بهایی ندارد.... (مسکویه، ۱۳۸۹: ۵۱/۱)

مسکویه معتقد است رهبر یک جامعه می‌تواند موانع و مشکلات را مرتفع سازد. (مسکویه، ۱۴۲۲ق: ۲۵۰) وی در این زمینه بیان می‌دارد:

شهریار صنعتی است که مدنیت را به پا داشته و مردمان را به طریق مصلحت‌های شرعی و سیاسی ایشان با رغبت و اجبار وادار می‌کند و حافظ سلسله مراتب افراد جامعه و زندگی آنهاست تا به نحو احسن جریان پیدا کند. (همان، ۷۲)

از همین روست که مسکویه مهم‌ترین فرد تاثیرگذار در جامعه را پادشاه می‌داند و معتقد است که زوال حکومت زوال تمدن و جامعه را به دنبال خواهد داشت. به نظر مسکویه، رهبری حافظ همه سنت‌ها و قوانین الهی در جامعه است و جامعه را به سوی سعادت و خوشبختی سوق می‌دهد. (مسکویه، ۱۳۹۸: ۱۲۹)

مسکویه در راستای بینش نخبه‌گرایانه خود بر این باور است که رهبر جامعه نباید امور را به سستی بیندازد. او نمونه‌ای از این سستی را در خلافت مقتدر نشان می‌دهد. «چون کار مقتدر بالله در خلافت استوار شد امور را به ابوالحسن بن فرات واگذار کرد. مقتدر تنها به عیش و نوش و افراط در آن روی آورد و با زنان درآمیخت و حرمسرا و خدمتکاران بر دولتش چیره شدند و نفوذ کردند». (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶۱/۵)

مسکویه پس از آن‌که درآمدهای فراوان خلیفه را ذکر می‌کند، در پایان نتیجه می‌گیرد که مقتدر در طول خلافتش هفتاد و اندی میلیون دینار مال را تلف کرده است. (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۲۴/۵)

مسکویه بعد از پادشاه، وزرا را نیز در روند تحولات تاریخی مهم می‌داند. از نظر مسکویه انتظام امور و نظام ملک و مال و استحکام دولت... در کف اعتبار وزارت است... (مسکویه، ۱۳۷۸: ۱۴۳) مسکویه به رکن الدوله می‌تازد که پیش از ابن عمید کسانی بی‌ارج را به وزارت گماشته و دستگاهی آشفته و سپاهی نافرمان را در اختیار ایشان نهاده بود. چرا که این امر سبب شده بود تا سپاهیان بر کشور به دلخواه خود فرمانروائی کنند. فرمانده را تا هنگامی که خواسته‌هایشان را برمی‌آورد، فرمانده می‌خواندند، و هر گاه از آن روگردان می‌شد، جای او را به دیگری می‌دادند. (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۳۹/۶)

از نظر مسکویه تصمیم سیاسی بدون مشاوره اهل دانش راه را به خطا می برد. «...بیشتر چیزی که پادشاه به آن منتفع می شود و از آن فایده می گیرد، صحبت علما است و بسیار شنیدن سخن علم و مقدار و مبلغ علم خود را بسیار کردن...» (مسکویه، ۱۳۷۸: ۸۷)

بینش نخبه گرایانه مسکویه باعث نشده است تا فقط به شخصیت های سیاسی همانند پادشاه و وزیران پردازد بلکه وی به توده مردم و اوضاع اجتماعی آنان پرداخته است. مسکویه در قالب اندرز اردشیر بیان می دارد که بیکاری از عوامل انحطاط جامعه می باشد چرا که

اگر بی کاری در مردمی فزونی گیرد، در کارها بنگرند و در ریشه ها بیندیشند و از آنجا که سرشتها گوناگون است، از گونه گونی منش ها روش های ناهمگون برخیزد و از ناهمگونی روش ها دشمنی و کینه توزی و خرده گیری. مردم با همه ناهمداستانی که در میان خویش دارند، در دشمنی با شهریاران همداستان اند... (مسکویه، ۱۳۸۹: ۱/۱۲۰)

۶. بینش انتقادی مسکویه

منظور از بینش انتقادی، بررسی انتقادی نهادها، عملکردها و روابط موجود بین آنها برای ارائه الگوی مطلوب و تحقق بخشیدن به این الگوها می باشد. در این نگرش مورخ درصدد است تا از توصیف داده ها یا وقایع نگاری صرف پا را فراتر گذاشته و به تبیین روابط علی و واقعی آنها پردازد. (حسن زاده، ۱۳۸۶: ۴۱)

مسکویه را می توان پایه گذار نقد تاریخی قلمداد کرد. نقد تاریخی عنصر اساسی است که شیوه تاریخ نگاری مسکویه بر آن استوار بوده است. بخشی از رویکرد انتقادی مسکویه به عملکرد و رفتارهای سیاسی و اخلاقی صاحبان قدرت و... بر می گردد. به گفته جوئل کرمر مسکویه مردان و وقایعی را که ماندنی می کند با معیاری می سنجد و مدح و ذم را به دقت نثار اشخاص می کند. (کرمر، ۱۳۷۵: ۳۱۷) او آشکارا از پادشاهان آل بویه انتقاد می کند. به عنوان مثال در نکوهش سیاست های معزالدوله می نویسد: «در این سال (۳۳۴) دیلمیان بر ضد معزالدوله شوریدند. رو در رو به او بد و بیراه به گوشش رسانیدند تا پرداخت اموالی را که در مدت معینی برای ایشان تضمین کرد سپس ناگزیر از خشونت با مردم شد تا مالیات ها را از راه های غیرقانونی بستاند. (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۳۱/۶)

از دیدگاه مسکویه خطای معزالدوله این بود که زمینهای جنوب بین النهرین را به بعضی بخشید و این امر سبب شد تا عایدی از میان برود و کشت و کار و آبیاری مورد غفلت واقع شود. (همان، ۱۳۲-۱۳۱) از سویی مسکویه سیاست معزالدوله مبتنی بر کسب اطمینان از وفاداری سپاه با دادن پاداش را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او در ادامه می‌نویسد:

در دوران معزالدوله با توجه به اقتدار و احترامی که داشت و فرماندهی از ان وی بود این مرض مانند کودکی در حال رشد بود؛ و پس از درگذشت وی در زمان فرزندانش دیگر مرضی مزمن شده بود و از همه حدود تجاوز کرده بود. (کرمر، ۱۳۷۵: ۳۱۸)

یا اینکه بختیار را این گونه توصیف می‌کند: «بختیار که کنترلی بر زبان خود نداشت و پنهان کاری هر چند زندگی و دارائی او بدان بسته باشد نمی‌توانست این را نیز فاش کرد...» (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۱۹)

از نظر مسکویه آنچه دست عمید را از گسترش دادن به آبادانی کشور باز می‌داشت، خوی سپاهیگری و زورگوئی فرمانروایش رکن الدوله بود، که با همه برتری که بر همپایگان دیلمی خود داشت، باز کوتاه‌بین بود. تنها اکنون را می‌دید و به آینده مردم نمی‌اندیشید. او برای رام داشتن سپاه، از زشتی‌هایی چشم‌پوشی می‌کرد که نه دیگر می‌توانست جلو آن را بگیرد و نه جبران‌پذیر بود. او جز این راهی برای حکومت کردن نمی‌دانست، زیرا که از خاندان پادشاهان نبود، در میان دیلمیان شکوه نداشت. (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۳۸/۶)

مسکویه وزیرانی را که فاقد دانش نظری و کفایت علمی بودند را نیز مورد انتقاد قرار می‌داد. از نظر مسکویه، ابن بقیه بدون داشتن سابقه شایسته و تعلیم و تربیت به وزارت رسیده است، در نتیجه او را تقبیح می‌کرد. «این مرد با زورستمکاری از گمنامی تا مسند وزارت بختیار بالا آمده بود... او حتی کفایت یا صلاحیت حمل دوات در پیش وزیران را نداشت.» (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۷۲/۵)

۷. بینش اجتماعی

منظور از بینش اجتماعی این است که مورخ در تاریخ‌نگاری خود به مسایل اجتماعی توجه داشته است. بدین معنا که او تنها در پی ثبت رویدادهای سیاسی نیست و به مردم و اوضاع اجتماعی و اقتصادی آنها هم توجه می‌کند. مسکویه علاوه بر موضوعات سیاسی به

موضوعات اجتماعی نیز به کرات پرداخته است. او درصدد بوده است تا همه جنبه های اجتماعی، اقتصادی و... را در کنار جنبه های سیاسی در کتاب خود بیاورد. مسکویه به جامعه و مردم و وضعیت آنان توجه خاص دارد.

مسکویه از منصب معونت به عنوان یکی از کارگزاریهای دولت عباسی در شهرستانها، وابسته به یک دیوان مرکزی یاد می کند. وی در کتاب تجارب الامم رئیس ایشان را «صاحب المعونه» یا «عامل المعونه» و جمع آنان را «اصحاب المعاون» یا «عمال المعاون» خوانده است. چون مردم از ناامنی راهها به ویژه راه مکه ناخرسند می شدند در کوچه و بازار و مسجدها بر عمال معاون یا اصحاب معاون و معونتگران اعتراض می نمودند. (همان، ۵۰۶)

درواقع این منصب یکی از ارکان اداره نظام شهری در دوره آل بویه می باشد.

مسکویه همچنین تصویری روشن از دیوان های این دوره ترسیم می کند. مهم ترین دیوان هایی که مسکویه نام می برد عبارت است از: دیوان زمام الجیش (بازرسی سپاه)، الفص و الخاتم (مهردار سلطنتی)، الدار (وزیر دربار)، الحرم (قهرمانه بانوان دربار)، الضیاع الخاصه (دیه های خالصه)، الضیاع العامه، ضیاع فراتی، ضیاع مشرق، ضیاع مغرب، زمام النفقات (بازرسی هزینه ها) دیوان سواد (آبشخور دجله) که مهمترین دیوانها به شمار می رفته است. (همان، ۲۵۶)

آداب و رسومی مثل نقاره زدن و... نیز در تاریخ مسکویه انعکاس یافته است. وی در این باره می نویسد: «هنگامی که معز الدوله، ابو الفرج [فسانجس] و ابو الفضل [شیرازی] را برای جنگ به «عمان» و «بطحیه» فرستاد، به آن دو اجازت داد، تا در این سفر در آغاز وقت نماز، بر در خانه هایشان نقاره بکوبند». (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۲۲/۶) یا اینکه مسکویه به نحوه برگزاری جشن سده در زمان مرداویج می پردازد.

مسکویه گزارش های زیادی از اوضاع اقتصادی همچون خشکسالی، گرانی، وضعیت بهداشتی و تاثیر این شرایط بر زندگی اجتماعی مردم ارائه می کند. به عنوان نمونه در گزارش سال سیصد و سی و چهارم می آورد:

در این سال گرانی بیداد کرده مردم بی نان ماندند، تا آنجا که مردگان گندیده و علفها را هم خوردند. چون چارپایان سرگین می انداختند... مرد و زن و کودک در کنار راهها نیم مرده ایستاده، آنقدر ناله گرسنگی سر می دادند، تا می افتادند و می مردند. اگر کسی پاره نانی می یافت آنرا در زیر لباس می پوشانید و گرنه با زور از وی گرفته می شد. (همان، ۱۳۰)

وی همچنین زلزله های که اتفاق افتاده و میزان تلفات و خسارات آن را بیان می کند. (همان، ۲۱۴)

وی همچنین انگیزه آشوب ترکان در اهواز را فقر اقتصادی می داند.

بی پولی و کش رفتن مردان از کار، روز به روز افزون می گشت و زندگی را بر بختیار تنگ تر می نمود. وزیرانش با ترسند نیز از درآوردن مال در می ماندند و راه درست را نمی یافتند، به هر امیدواری رو می آوردند نا امید می شدند، به هر دشمن یورش می بردند، شکست می خوردند و برمی گشتند. (همان، ۳۸۷-۳۸۶)

۸. روش شناسی تاریخی مسکویه

روش تحقیقی مسکویه مبتنی بر تعلیل و انتقاد است که او به خوبی از عهده آن برآمده است. نگاه نقادی مسکویه برآن شده است تا دوست و دشمن در صورت مستحق بودن از آن در امان نمانند. ابوعلی مسکویه را باید نخستین مورخی دانست که راه به فلسفه تاریخ برده و شکل تاریخ نگاری او به تاریخ نگاری امروز بسیار شبیه است. او در کنار دانشمندانی همچون توحیدی، عامری و سجستانی روش فلسفی را با نوعی رویکرد تاریخ گرایانه در آمیخت. به همین دلیل برخی برآنند مسکویه با تعمق در علوم عقلی پیش از ابن خلدون وجه نظر فلسفی را با دقت در تاریخ نویسی جمع کرده است. بنابراین به چندین مولفه روشی او مثل سبک نگارش، گزینش اخبار و... می پردازیم که در مجموع روش تاریخ نگاری او را نشان می دهد.

۱.۸ سبک نگارش مسکویه

از آن جا که رسالت مسکویه در تاریخ نگاری خود عبرت آموزی و پندآموزی از حوادث گذشته است لذا باید با نثری می نوشت که همگان بتوانند آن را بخوانند به همین خاطر نثر مسکویه در تاریخ نگاری نثر ساده و نسبتاً روان می باشد. مراد از روشهای نگارش تاریخ، صورت نقل و تألیف مواد تاریخی است؛ یعنی روش روایی، روش ترکیبی و روش تحلیلی. میان انواع و شیوه های تدوین تاریخی نسبت عام و خاص برقرار است و روشهای نگارش تاریخ با همه اینها سازگار می نماید، چنان که مثلاً کتاب «تاریخ جهان آرای عباسی» اعتماد الدوله، اثری دودمانی در باره دوره شاه عباس دوم صفوی، و در عین حال از یک

نظم زمان شمارانه پیروی می کند؛ یا «تجارب الامم» مسکویه تاریخی عمومی، سال شمارانه و مبتنی بر روش ترکیبی - تحلیلی است. نگاه نقادانه مسکویه به تاریخ روش و سبک نو را در تاریخ نگاری اسلامی تحت عنوان روش انتقادی پدید آورد. مسکویه در آوردن، اشاره های تالیفی و توضیح آن، روش برجسته ای داشته است.

مسکویه در تاریخ خود تا حدودی از روش تحلیلی در کنار نقل روایات استفاده می کند. وی غالباً بعد از ذکر حادثه دلایل و انگیزه ها و نتایج آن را توضیح می دهد. البته ناگفته نماند که تاریخ مسکویه را نمی توان تاریخ تحلیلی نامید بلکه دیدگاه های تحلیلی در آن دیده می شود. روش استدلال و نگرش فلسفی مسکویه باعث شده است تا تاریخ او را در عصر خود جلوه گر نماید.

۲۸ جرح و تعدیل روایات و اخبار

مسکویه با استفاده از منابع ذکر شده دست به گزینش اخبار و جرح و تعدیل روایات خود زده است. او روایاتی را که با عقل منافات دارند را حذف می کند. از نظر مسکویه وظیفه مورخ تنها ثبت وقایع و حوادث نبوده است بلکه ارزشیابی آن نیز مهم می باشد.

۹. خبر و معیار سنجش آن در نگاه مسکویه

با سیر در تاریخ نگاری مسکویه روشن می شود که او اخبار را به دو دسته تقسیم می کند:

- اخباری که دارای اهمیت تاریخی است و قابلیت نقل تاریخی دارد.
- اخباری که در تفکر تاریخ نویسی مسکویه جای ندارند.

۱۰.۹ اخباری که دارای اهمیت تاریخی است و قابلیت نقل تاریخی دارد

عبارتند از:

۱. اخباری که پندآموز و عبرت آموز باشند. مسکویه بعد از اینکه جنگ خالد را با مرتدین بازگو می کند چنین می نویسد:

خالد چون از این جنگ فراغت یافت از سوی ابوبکر به او دستور رسید که به سوی عراق برود. حوادث جنگهای او با ایرانیان بعد از این اتفاق افتاد، و ما در این جنگها با

همه عظمت و شدتش، چیزی که بتوان از آن تجربتی اندوخت، و یا راه و رسمی آموخت جز اندک-ندیدیم... (مسکویه، ۱۳۸۹: ۲۵۵/۱)

۲. گزارش آغاز دولتها و پیدایی پادشاهان و به تخت نشستن آنها؛ مسکویه آغاز و پایان پادشاهی حکومت هایی مثل اشکانیان، ساسانیان، آل بویه و... را در کتاب خود ذکر کرده است و حوادث مربوط به این حکومت ها را بیان نموده است.

۳. گزارش آفات و خلل هایی که در کار پادشاهی رخ داده است و ترفندها و چاره جویی های کسانی که بحران ها را مهار کرده و باعث شده اند تا به وضعیت مطلوب برسند.

۴. گزارش سستی افرادی که با غفلت خویش باعث شده اند تا کارشان به آشفتگی و زوال بینجامد؛ مسکویه سبب نابودی کوات را دید نادرست، و تباهی آیین، و سستی وی در کشورداری می دانست. (همان، ۱۵۸)

۵. گزارش تلاش و اعمال سیاست هایی که برای آبادانی کشور شده است؛ به عنوان مثال وی از کی کوات یاد می کند که « خوره ها را سامان داد و مرز نهاد، و مردم را به آباد کردن واداشت ». (همان، ۶۹)

۶. گزارش وحدت ملی و وفاق ملی و یک سخن کردن و هم رای کردن مردم؛

۷. گزارش ساماندهی سپاهیان و تاکتیک های جنگی که گاه موفق و گاه ناکام مانده است؛ در سرتاسر تجارب الامم این نمونه به فراوانی یافت می شود.

۸. گزارش فعالیت هایی که موجب شده است افرادی نزد پادشاه مقام یابند یا تنزل پیدا کنند؛ به عنوان مثال با جایگاهی که مهلبی در دستگاه آل بویه داشت اما، در برخی جنگها و لشکرکشیها نیز شکست خورده و این باعث برانگیختن خشم و غضب معز الدوله شد. (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۷۱/۶)

۹. گزارش افعالی که آغاز خوب و نیکو داشت اما پایان آن تلخ و ناستوده داشت و بالعکس؛

۱۰. گزارش شیوه های وزیران، سرداران و کسانی که در صدد چاره جویی برای حل مشکل برآمدند؛ به عنوان نمونه از تنسر نام می برد که از هیربدان یاری می جست و در کشور داری و کارسازیها با آنها به تدبیر می نشست. (همان، ۱۱۴)

۱۱. گزارش کسانی که امور نگاهداری استانی به آنان سپرده شده است؛

۱۲. گزارش حوادثی که از روی بخت و اتفاق روی می دهند «از آن روی که انسان این گونه رویدادها و همانند آن را در شمار آرد و در دل و گمان خویش نگاه دارد تا در نزد او از دفتر پیشامدها نیفتد». (مسکویه، ۱۳۸۹: ۴۸/۱)

۲.۹ اخباری که در تفکر تاریخ‌نویسی مسکویه جای ندارند:

۱. معجزات پیامبران که مافوق تجربه بشری است چرا که «... از معجزه‌های پیامبران، که دروهای خداوند بر ایشان باد، و کارهایی که به اعجاز کرده‌اند یاد نکرده‌ایم. چه، مردم روزگار ما، در پیش آمده‌ها پندی از آن نتوانند گرفت مردم روزگار ما در پیش آمده‌ها پندی از آن نتوانند گرفت». (همان، ۵۳)

۲. گزارشهایی که آمیخته با افسانه‌های موهوم و خرافات باشد.

۳. اخباری که صحت و سقم آنها را عقلاً نمی‌توان تأیید کرد، مسکویه از بیان آمارهای مبالغه‌آمیز و دور از عقل نیز خودداری کرده است چنانکه در بیان جنگ افراسیاب و کیخسرو چنین می‌گوید: «ایرانیان و تورانیان در هم آمیختند و از یکدیگر بسیار بکشتند و افراسیاب بشکست و بتارید. پارسیان شماره کشتگان را چندان کلان گفته‌اند که نوشتن آن را خوش نداشتیم». (همان، ۷۷)

۴. اخباری که قابل تکرار نمی‌باشند؛ مسکویه به تکرارپذیری اصول و قوانین حاکم بر آن معتقد است. به همین دلیل تاریخ را سودمند می‌داند چرا که شناخت گذشته آگاهی قبلی نسبت به آینده بود. از این رو اخباری که تکرار نشده‌اند را از بیان آن خودداری می‌ورزد.

۵. اخباری که خاص باشند «... بلکه همتاشان روی نداده، نکته‌شان فراموش شود». (همانجا)

۶. اخباری که بدون تکرار «از یاد بروند یا ذهن تنها به شیوه گزارش آنها سرگرم بماند، بی آنکه از آنها سودی ببرد» (همانجا)

۷. حوادث و اخباری که پیش از طوفان حضرت نوح رخ داده است چرا که «... از روزگار پیش از طوفان آن چه آورده‌اند تهی از آن چیزهایی است که یادکرد آن را آهنگ کرده‌ایم». (همان، ۴۸)

آن چه در روش تاریخ نگاری مسکویه دیده می شود این است که وی درصدد آن است تا با تجزیه و تحلیل حوادث درستی یا نادرستی آن را به اثبات برساند. مسکویه به علت بهره گیری از اسناد و بایگانی های دولتی توانسته است تا به تبیین و تحلیل رویدادها نیز پردازد و این باعث می شود تاریخ نگاری او از توصیف صرف خارج شود و به تحلیل و تبیین آنها نیز پردازد.

از دیگر روش های تاریخ نگاری مسکویه این است که او در ذکر هر سال با عبارت گزارش انگیزه های آن به علل و عواملی که باعث شده است این حادثه بوجود بیاید پرداخته است. همچنین او تبعات و آثار آن را نیز ذکر کرده است. مسکویه حوادث تاریخی را در کتاب تجارب الامم به صورت سنواتی ذکر کرده است. او حوادث تاریخی جهان را از آغاز پیشدادیان تا زمان خود به ترتیب ذکر نموده است. بنابراین می توان تاریخ او را به دو قسمت تقسیم کرد. ۱. پیش از اسلام که با مقدمه و شرح حوادث تاریخی از سلطنت پیشدادیان و هوشنگ آغاز می شود و بعد از آن سلسله های کیانیان اشکانیان و ساسانیان را می آورد. قسمت انتهائی مجد اول او شامل حوادث بعد از اسلام تا عصر امام حسن مجتبی را شامل می شود. ۲. دوره اسلامی که تا سال ۳۶۹ق را دربرمی گیرد.

۱۰. ویژگی های تاریخ نگاری مسکویه

با توجه به مطالبی که ذکر شد می توان بیان کرد که تاریخ نگاری مسکویه یک سری ویژگی هایی دارد که به ذکر آنها پرداخته می شود:

۱. نخستین ویژگی تاریخ نگاری مسکویه این است که از منظر او تاریخ با کشورداری و مملکت داری رابطه نزدیکی دارد و در خدمت آن قرار می گیرد. تاکید او در بحث فایده تاریخ موید این نگرش است. (مسکویه، ۱۳۸۹: ۴۷/۱)
۲. یکی دیگر از ویژگی های شیوه نگارش مسکویه، استفاده از کلمات فارسی است که به زبان عربی راه یافته اند. مثل: گهبد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۸۲/۶) (صراف)، دشنه (...پس من شیر نگین را دیدم که یک دشنه برهنه زیر پوشش خود گرفته است). (همان، ۱۶۱) مسکویه همچنین از واژه های دیگری همچون اشتلم (مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۴۶۲ و ۵۶۹) (گرفتن چیزی به زور)، مشرز (مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۱۴/۶) (شیرازه کرده)، بزرج فرمذار (مسکویه، ۱۳۸۹: ۷۳/۱) (والا ترین مقام رسمی در دربار ساسانیان بود که آن را

معادل «وزیر اعظم» در دوران خلافت عباسیان دانسته اند)، ایرانمارغر (همان، ۷۹) (آمارگیر)، دبیرفد (همانجا) (دبیربد یا منشی الممالک) و... استفاده فراوانی برده است.

۳. ارائه مطالب کم نظیر که در هیچ یک از کتابهای تاریخی نیامده است از دیگر ویژگیهای تاریخ نگاری مسکویه است. او یک سری متن های بی نظیری را در کتاب خود آورده است که در آثار مورخانی همچون طبری، مسعودی و ابن خلدون نیست. مثل کارنامه اردشیر بابکان یا اتوبیوگرافی انوشیروان و سخنرانی او که سرشار از اطلاعات صریح و ارزشمند است. وصیتنامه اردشیر از ویژگیهای بارز کتاب تجارب الامم است. چرا که پس از اوستا کهن ترین متنی است که به صورت کتاب مدون از روزگار پیش از اسلام برجای مانده است. (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۹)

۴. نگاه خاص به تاریخ ایران باستان؛ مسکویه درصدد بوده است که هویت ایرانی را احیاء نماید. در این راه سعی و تلاش وافری انجام داده است. اینکه از سنت مورخان پیش از خود رویگردانی کرده است و تاریخ خود را با نام پادشاهان کهن ایرانی آغاز کرده است خود گواهی بر این مطلب می باشد. به همین خاطر مسکویه وقایع پس از طوفان نوح را کنار گذاشت و تاریخ خود را با شرح سرگذشت پادشاهان پیشدادی ایران آغاز کرد؛ چرا که اطلاعات مربوط به این بخش را موثق تر می دانست. از این روست که برخی او را ملی گرا نامیده اند (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۶۳) و تاریخ وی را بیشتر تاریخ ایران دانسته اند تا تاریخ اسلام. (کارادو، ۱۳۷۴: ۱۰۰)

۵. ارائه بیوگرافی کامل وزراء و حکام آل بویه که از درون آن اطلاعات ارزشمندی استخراج می شود. مسکویه اطلاعات ارزشمندی از خدمات وزرا و حکام آل بویه ارائه می کند. به عنوان مثال زندگی ابن عمید را به طور مفصل بحث کرده است.

۶. به کارگیری روش مشاهده برای دست یابی به اطلاعات، مسکویه برای بدست آوردن اطلاعات علاوه بر کتابخانه ها و منابعی که در اختیار داشته است از مشاهدات و شنیده های خود هم استفاده می کند.

۷. پرهیز از جانب داری و داشتن بی طرفی نسبی در باب حوادث تاریخی تا حد امکان؛ صداقت و پرهیز نسبی از سوء گیری سیاسی و مذهبی از مهم ترین شاخصه های تاریخ نگاری مسکویه در تاریخ نگاری است. (گیب، ۱۳۶۱: ۲۶) مسکویه، سعی کرده است تا در تاریخ نگاری خود اصل بیطرفی و انصاف را رعایت کند. با وجود آن که در خدمت امیران آل بویه بود و انتظار می رفت که در نوشته هایش از آنان ستایش کند، اما نه تنها از آنان

طرفداری نکرده است بلکه خوب و بد خوی و کردار آنان را نیز بازگو کرده است. بنابراین اطلاعاتش درباره دوره آل‌بویه اهمیت دارد.

۱۱. نتیجه‌گیری

از مطالبی که درباره تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مسکویه گفته شد می‌توان دریافت که بینش و روش وی نسبت به مورخان قبل از خود تفاوت داشته است و همین سبب شده است تا وی روشی مبتنی بر سنجش و ارزیابی را برگزیند. مسکویه با نگاه فلسفی در مقایسه با مورخان پیشین خود رویکرد عقلانی نسبت به حوادث تاریخی را برگزیده است و این امر در آثار وی نمایان است. دیدگاه مسکویه در راستای واقع‌گرایی و خردورزی او قابل تحلیل است و سودمندی برای مردم به ویژه اهل سیاست و قدرت و همچنین تجربه‌پذیری از رویدادهای تاریخ را در گزارش تاریخ یک اصل اساسی می‌داند به همین خاطر اشاره می‌کند که چیزی که تجربه و فایده‌ای برای مردمان از آن حاصل نشود، شایسته ذکر نمی‌داند. مسکویه معتقد بود که بیشتر تاریخ‌های گذشته مملو از قصه‌های بی‌فایده و افسانه‌های خواب‌آور است که هیچ تجربه و عبرتی برای دیگران ندارد لذا تلاش کرد تا از آن میان فقط آنچه را درست و برای همگان سودمند و تجربه‌آموز است، یاد کند. از این رو، وقایعی را درخور ذکر و دارای ارزش تاریخی دانسته است که سازگار با عقل و منطق، و به دور از مبالغه و خرافات باشد، تا انسان در زندگی فردی و اجتماعی بتواند از آن عبرت گیرد و بر تجارب خویش بیفزاید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱ برای بحث بیشتر بنگرید به: مهدی، محسن (۱۳۷۳). فلسفه تاریخ ابن خلدون. ترجمه مجید مسعودی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۸۳-۱۸۴؛ هیو کندی، «سنت‌های عقلانی در اسلام»، در: دفتری، فرهاد (۱۳۸۰). سنت‌های عقلانی در اسلام. ترجمه ی فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز، صص ۲۸-۲۹
- ۲ برای بحث بیشتر ر.ک. ارکون، محمد (۱۹۲۸)، نزعه الانسه فی الفکر العربی، جیل مسکویه و التوحیدی، ترجمه هاشم صالح، بیروت، دارالساقی، ص ۲۳۸

کتاب‌نامه

- آدام متز (۱۳۶۲)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ترجمه ی علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران، امیرکبیر
- ابن بلخی (۱۳۴۳)، فارسنامه، به کوشش علینقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس
- ابن خلدون (۱۳۶۶)، تاریخ ابن خلدون، عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ابن خلکان [بی تا]، وفيات الاعیان، ج ۵، حقه الدكتور احسان عباس، بیروت، دارصار للطباعة والنشر،
- ابن فندق، علی بن زید (۱۳۶۱)، تاریخ بیهق، به تصحیح احمد بهمنیار، تهران، انتشارات فروغی
- ارکون، محمد (۱۹۲۸)، نزعه الانسه فی الفكر العربی، جیل مسکویه و التوحیدی، ترجمه هاشم صالح، بیروت، دارالساقی
- تاجبخشی، احمد (۱۳۷۸)، تاریخ نگاری، شیراز، نوید.
- توحیدی، ابو حیان (۱۴۱۷ ق.)، اخلاق الوزیرین، بیروت: دارالکتب العلمیه
- توحیدی، ابو حیان (۱۴۲۵ ق.)، الامتاع والموانسه، تحقیق غرید الشیخ محمد، ایمان الشیخ محمد، بیروت، دارالکتب العربی
- ثعالبی، ابی منصور عبدالملک، ابی منصور عبدالملک (۱۳۰۴ ق.)، یتیمه الدهر، به کوشش مفید محمد قمیحه، [بی جا]، دارالکتب علمیه
- ثعالبی، ابی منصور عبدالملک، ابی منصور عبدالملک (۱۴۰۳ ق.)، تتمه یتیمه الدهر، ج ۲، شرح و تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۶) تاریخ نگری و تاریخ نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی، فصلنامه تاریخ ایران و اسلام، س ۱۷، ش ۶۵، ص ۲۱ تا ۵۵
- حموی، یاقوت (بی تا) معجم الادباء، ج ۳، [بی جا]: دار التراث العربی
- خوانساری، میرزا محمد باقر (۱۳۹۰ ق.)، روضات الجنات، ج ۲، قم، اسماعیلیان
- خواندمیر (۱۳۷۱)، دستورالوزراء، تهران: کتابفروشی اقبال
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۴)، علم التاریخ عند المسلمین، ترجمه صالح احمد علی، بغداد، بینا
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴)، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر
- سجستانی ابوسلمان، محمد بن طاهر (۱۳۵۳)، صوان الحکمه و ثلاث رسائل، به کوشش عبدالرحمان بدوی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران
- سخاوی، محمد بن عبد الرحمن (بی تا) الاعلان بالتوئیخ، صالح احمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیه
- شهرزوری، شمس الدین محمد (۱۳۶۵) نزهه الارواح و روضه الافراح، ترجمه مقصود علی تبریزی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و محمد سرور مولائی، تهران، علمی فرهنگی

صفدی،خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق)، الوافی بالوفیات، ج ۸، بیروت، داراحیاء التراث العربی
طباطبائی، سید جواد(۱۳۷۳)، زوال اندیشه سیاسی در ایران، انتشارات کویر
طباطبائی، سید جواد (۱۳۸۰)، دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نگاه معاصر
قدیمی قیداری، عباس(۱۳۹۱)، افق های ایرانی در تاریخ نگاری مسلمانان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا،
ش ۱۷۰،

قفطی،علی بن یوسف (۱۳۴۷)، تاریخ الحکما، به کوشش بهین دارائی، تهران: دانشگاه تهران
کارادو، وو(۱۳۷۴)، متفکران اسلام، ترجمه محمد رضا شجاع رضوی، مشهد، انتشارات آستان
قدس رضوی

کرمر، جوئل(۱۳۷۵) احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمدمسعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز
نشر دانشگاهی.

کافیجی، محی الدین(۱۴۱۰ق)المختصر فی علم التاریخ، تحقیق محمد کمال الدین عزالدین، بیروت
عالم الکتب

گیب، همیلتون(۱۳۶۱)، تطور تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، نشر گستره.
ماجد، فخری(۱۳۷۲)، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه فارسی زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز
نشر دانشگاهی

متز، آدام(۱۳۶۴)، «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی»، ترجمه علی رضا زکاوتی
قراگزلو، تهران، امیر کبیر

مسکویه، ابوعلی(۱۴۲۲)، الهوامل و الشوامل، تحقیق سید کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه
مسکویه، ابوعلی (بیتا) ترتیب السعادات و منازل العلوم، به کوشش ابوالقاسم امامی، تهران، کتابخانه مجلس
شورای اسلامی، مرکز پژوهش و آموزش ص ۱۱۷

مسکویه، ابوعلی (۱۳۹۸ق)، تهذیب الاخلاق، [بی جا]: بیدار

مسکویه، ابوعلی (۱۳۱۹ق)، فوز الاصغر، بیروت، بینا

مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۸)، جاویدان خرد، ترجمه تقی الدین محمد شوشتری، تهران، انتشارات کاوش

مسکویه، ابوعلی (۱۳۸۹)، تجارب الامم، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش

مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶)، تجارب الامم، ج ۶، ترجمه علینقی منزوی، تهران، توس.

ملائی توانی، علیرضا(۱۳۸۶)، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، ص ۱۵۶-۱۵۷

مهدی، محسن (۱۳۷۳). فلسفه تاریخ ابن خلدون. ترجمه مجید مسعودی. تهران: انتشارات علمی و
فرهنگی

مینوی، مجتبی(۱۳۵۴)مقدمه نامه تنسر به گشنسب، تهران، خوارزمی

هنری، توماس(۱۳۶۲)، بزرگان فلسفه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، علمی فرهنگی و انتشارات کیهان

درآمدی بر روش و بینش تاریخی ابوعلی مسکویه در تجارب الامم ۴۵

هیو کندی، «سنت های عقلائی در اسلام»، در: دفتری، فرهاد (۱۳۸۰). سنت های عقلائی در اسلام.
ترجمه ی فریدون بدره ای. تهران: فرزانه روز
یاقوت حموی (۱۴۰۰ق)، معجم الادباء، ج ۵، [بی جا]، دارالفکر

